



## شرایط فهم و استفاده از قرآن مجید

پیر مولانا سید ابوالحسن علی حسینی ندوی  
ترجمه: محمد قاسم بنی کمال (قاسمی)

و فرسودگی ندارد و طراوت و تازگی آن ابدی و سرمدی است:  
چون شود کهنه جهان اندر برش  
می دهد قرآن جهانی دیگرش

### ۱- طلب

نخستین شرط بهره گیری و استفاده از قرآن مجید این است که در درون انسان طلب وجود داشته باشد، زیرا سنت الهی است که بر اساس طلب عطا می فرماید و طلب نزد او تعالی بسیار ارزش دارد. عدم رضایت و عدم قناعت بر وضعیت موجود و تلاش برای اصلاح حال و جستجوی راه بهتر، نخستین قدم به سوی سعادت است؛ پس اول انابت باید و پس از آن تغییر حال رخ خواهد داد: «و یهدی الیه من ینیب»<sup>۱</sup>؛ «خدا کسی را که به سوی او رجوع داشته باشد راه می نماید.» «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم»<sup>۲</sup>؛ «همانا خداوند حال و وضع هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی دهد مگر اینکه آنان احوال خود را تغییر دهند.»

استغناء و بی نیازی در دین نشانه محرومیت و بدبختی است: «فکفروا و تولوا و استغنی الله و الله غنی حمید»<sup>۳</sup>؛ «آنان نپذیرفتند و روی برگرداندند، و خدا هم بی نیاز (از ایمان و اطاعت ایشان) بود و همانا خدا (همیشه هم) بی نیاز است و سزاوار ستایش و سپاس.» «یا ایها الناس أنتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید»<sup>۴</sup>؛ «ای مردم شما محتاج خدا هستید و خدا مستغنی و سزاوار حمد است.» آنهایی که طلب دین ندارند و در ندای دین جاذبه ای احساس

قرآن کتاب الهی، نسخه سعادت و خوشبختی، منشور جاویدان موفقیت و رستگاری، داروی شفابخش قلوب و نفوس، گنجینه راهنمایی و هدایت برای بشریت و بهترین وسیله حصول تقوا و پاکی است: «ذالک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین»؛ این کتاب هیچ تردیدی در آن نیست، هدایت برای جویندگان تقواست.

قرآن پند جاودانی پروردگار عالم، قانون حیات بخش الهی و مژده جان افزا برای اهل ایمان و شمیم زندگی برای مرده دلان است: «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم و یشیر المؤمنین الذین یعملون الصالحات ان لهم اجرا کبیرا»؛ بدون شک این قرآن به راستترین راه راهنمایی می کند و مومنانی را که کار نیک انجام می دهد به اجر بزرگ مژده می دهد.

اما چگونه از این کتاب استفاده می شود، و چه زمانی این کتاب وسیله نجات و سعادت ابدی قرار می گیرد.

در این خصوص باید دید که خود قرآن چه می گوید، و چه راهکارهایی را نشان می دهد تا در پرتو آن بهتر و زودتر بتوان از این گنج عظیم الشان بهره برد.

مطلب ذیل که ترجمه و اقتباسی از نوشته های دانشمند بزرگ علامه سید ابوالحسن ندوی (رحمه الله) می باشد در همین موضوع پرتو می اندازد و راه را برای پویندگان راه حقیقت روشن می سازد. برآستی که با اختیار کردن صفات زیر می توان در خود تحولی جدید ایجاد کرد و در جهانی نوین قدم گذاشت؛ جهانی که هرگز کهنگی

«تو فقط کسی را می توانی بترسانی که از قرآن پیروی کند و نادیده از خدا بترسد.»  
«سیدکرمن یخشی»<sup>(۱۱)</sup>؛ «کسی که دلش مملو از خشیت الهی است نصیحت خواهد پذیرفت.»  
«فویل للفقاسیة قلوبهم من ذکر الله»<sup>(۱۲)</sup>؛ «هلاکت باد بر آن دل هایی که از عدم ذکر خدا سخت شده اند.»

اساس  
تعلیمات قرآن  
بر یاد خدا و  
خشیت از وی  
استوار است.  
کسی که  
دلش کاملاً از  
خوف خدا  
خالی است و  
گرفتن نام الله  
برایش  
جاذبه ای  
ندارد، در واقع  
چنین  
شخصی از  
حاسة دین  
محروم است.

#### ۴- ایمان به غیب

بخش بزرگ و مهمی از دین آن است که از محدوده حواس پنجگانه و قلمرو عقل خارج می باشد. این بخش مشتمل بر حقایقی است که انسان نمی تواند آن را با حواس ظاهری ادراک نماید، زیرا این حقایق نه قابل رؤیت و لمس می باشند و نه بویدیده و چشیده می شوند و نه در دایره عقل قرار دارند، چرا که کار عقل این است که از طریق محسوسات و معلومات و تجربیات به اشیاء غیر محسوس و غیر معلوم برسد، و مسلماً آنچه در قلمرو حواس و تجربیات نباشد و امکان قیاس در آن موجود نباشد آنجا عقل نمی تواند کاری انجام دهد<sup>(۱۳)</sup>.

باید دانست که صفات الهی، وحی، فرشتگان، آخرت، جنت و دوزخ همه اینها اموری هستند که نه بر خلاف عقل بلکه ماوراء عقل هستند، و در واقع همه اینها از امور غیب می باشند<sup>(۱۴)</sup>. و اعتماد کردن به انبیا درباره آنها و باور نمودن آنچه آنان می گویند لازم است. همین اعتماد کردن و باور نمودن ایمان بالغیب نام دارد. کسانی که در یقین و اعتقاد خویش، پایبند مادیات و محسوسات هستند و آنچه مطابق عقل و قیاس شان نباشد آن را انکار می نمایند، در واقع از حقیقت دین بی خبراند و ورودشان به حوزه دین خیلی مشکل است و چنین افرادی نمی توانند از قرآن بهره مند گردند و در هر قدم با مشکلات روبرو می شوند. اما افرادی که حواس پرت نیستند و دایره ممکنات را خیلی گسترده می پندارند و همه چیز را در موجودات و محسوسات منحصر نمی دانند، اینگونه افراد در واقع به حقیقت دین پی برده اند و سرچشمه علم صحیح و قطعی برای آنان فقط وحی الهی است. آنان به خبرهای پیامبران و تعلیم شان کاملاً اعتماد دارند و برای شان در این خصوص هیچ مشکلی وجود ندارد، دین برای آنها یک واقعیت روشن و قرآن سراسر هدایت است: «هدی لِّلْمُتَّقِينَ. الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»<sup>(۱۵)</sup>؛ «قرآن پرهیزگاران را که به غیب ایمان می آورند راه می نماید.»

«فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي

نمی کنند قرآن مجید درباره آنان می فرماید: «أَفَأَنْتَ تَسْمَعُ الْعَمَىٰ وَ لَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ»<sup>(۱۶)</sup>؛ «آیا تو می توانی به کران بشنوانی گر چه نفهمند.»

«أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعَمَىٰ وَ لَوْ كَانُوا لَا يَبْصُرُونَ»<sup>(۱۷)</sup>؛ «آیا تو می توانی به نابینایان راه بنمایی و لو اینکه نبینند.»  
«أَنْتَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ وَ لَا تَسْمَعُ الصَّمَّ الدَّعَاءَ إِذَا وُلَّوْا مَدْبِرِينَ وَ مَا أَنْتَ بِهَدِي الْعَمَىٰ عَنْ ضَلَلَتِهِمْ أَنْ تَسْمَعَ الْأَمَّنَ يُؤْمِنُ بِأَيْتِنَا فَهَمَّ مُسْلِمُونَ»<sup>(۱۸)</sup>؛ «بدون تردید تو نمی توانی دعوتت را به مرده دلان و کران بشنوانی در حالی که به حق پشت کرده می گیرند. و تو نمی توانی کوردلان را از انحرافشان باز داشته و به راه بیاوری. تو فقط به کسانی می توانی بشنوانی که به نشانه های ما ایمان داشته باشند، همین ها فرمانبرداران واقعی هستند.»

#### ۲- استماع و اتباع

قرآن مجید در هر حال صحیفه و کتاب هدایت است و نخستین کار برای استفاده از آن، به دقت گوش فرادادن به آن است. بدیهی است کسی که حاضر به شنیدن آن نباشد از هدایت آن محروم می ماند: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُم اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْوَالُونَ الْأَلْبَابِ»<sup>(۱۹)</sup>؛ «به بندگانی که به سخنان گوش فرامی دهند و آنگاه از بهترینش پیروی می کنند مژده بده. هدایت یافتگان از جانب خدا و صاحبان عقل و خرد همین ها هستند.»  
البته باید بدانیم که تنها گوش کردن با دقت کافی نیست بلکه آنچه مربوط به عمل است باید به آن عمل کرد. علم بدون عمل نوعی سرگرمی فکری است به همین دلیل بعد از استماع، به اتباع تأکید شده است.

#### ۳- خوف خدا

اساس تعلیمات قرآن بر یاد خدا و خشیت از وی استوار است. کسی که دلش کاملاً از خوف خدا خالی است و گرفتن نام الله برایش جاذبه ای ندارد، در واقع چنین شخصی از حاسة دین محروم است.

آری قرآن مجید برای کسانی مفید و مؤثر است که بر دلهایشان نام الله اثر بگذارد و در خاکستر وجودشان اخگری فروزان نهفته باشد. اما کسانی که اجاق دلهایشان کاملاً دچار خمود و سردی شده است گر چه به قرآن گوش فرامی دهند اما در وجودشان حرارت و جنبشی به وجود نمی آید: «فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ»<sup>(۲۰)</sup>؛ «به وسیله قرآن به کسی که از وعیدم می ترسد تذکر بده.»

«أَمَّا تَنْذِرُ مَنْ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَ خَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ»<sup>(۲۱)</sup>؛

یه کثیراً و مایضاً به الّا الفاسقین»<sup>(۱۶)</sup>؛ «کسانی که ایمان آورده اند می دانند که قرآن حق است و از جانب پروردگارشان فرود آمده است، و اما کافران می گویند: منظور خدا از ذکر این مثال چیست؟ خدا به وسیله آن بسیاری را گمراه و بسیاری را هدایت می کند. و البته خداوند جز کجروان و منحرفان را با آن گمراه و حیران نمی گرداند.»

اشخاصی که تحت تأثیر مادیگرایی و حواس زدگی قرار گرفته و می کوشند بدون نردبان بالا بروند یا بدون بال در آسمان پرواز نمایند، چنین اشخاصی هر قدر برای صعود به بالا تلاش کنند، اما سنگینی مادیت آنها را دچار سقوط خواهد کرد. قرآن مجید بسیار جالب حالت چنین افرادی را به تصویر کشیده است:

«فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره للإسلام و من یرد أن یضله یجعل صدره ضیقاً حرجاً کأنما یصعد فی السماء کذلک یجعل الله الرّجس علی الذّین لا یؤمنون»<sup>(۱۷)</sup>؛ «خداوند هر کسی را بخواهد هدایتش دهد سینه اش را باز می کند و هر کس را بخواهد گمراه کند سینه اش را تنگ می گرداند گویا به دشواری می خواهد به بالا برود. الله تعالی اینگونه کسانی را که نمی خواهند ایمان بیاورند به پلیدی سوق می دهد.»

#### ۵- تدبیر

یکی از شرطهای استفاده از قرآن مجید تدبیر است. خود قرآن در جاهای متعدد به تدبیر فرا خوانده است و مؤمنانی را که قرآن را با تدبیر می خوانند و همچون کور و کر رد نمی شوند مورد ستایش قرار داده است: «و الذّین اذا ذکروا بآیات ربّهم لم یخروا علیها صماً و عمیاناً»<sup>(۱۸)</sup>؛ «کسانی هستند که هنگامی که به وسیله نشانه ها و سخنان پروردگارش تذکر داده می شوند کورکورانه تن در نمی دهند.»

«أفلا یتدبرون القرآن و لو کان من عند غیر الله لوجدوا فیهِ اختلافاً کثیراً»<sup>(۱۹)</sup>؛ «آیا در قرآن نمی اندیشند؟ و اگر از سوی غیر خدا آمده بود در آن تناقضات و اختلافات فراوانی پیدا می کردند.»

#### ۶- مجاهده

برای فهم قرآن مجید، تدبیر در معانی آن و بهره مندی از هدایت آن به مجاهده و مخالفت با هوای نفس نیاز است. قرآن مجید مانند کتاب های انسانی نیست که انسان بتواند فقط به کمک علم و تیزهوشی اش به هدف و منظور نویسنده پی ببرد و از فواید آن بهره مند شود. انسان برای اینکه به منظور کلام الهی پی ببرد، به کمک

✓ انسان هر قدر از تراکم مادیت به دور باشد به همان نسبت ارتباط و مناسبتش با قرآن مجید افزایش می یابد و جمال و زیبایی قرآن بدون پرده برایش هویدا می گردد.

و رضای الهی نیازمند است. هنگامی که انسان زحمت می کشد و به تطهیر اخلاق و تزکیه نفس می پردازد، رحمت الهی متوجه او می شود و خداوند متعال سینه اش را برای کتاب خود باز می کند و به او فهم عنایت می فرماید. از آنجایی که قرآن دارای لطافت بسیاری است بنابراین انسان هر قدر از تراکم مادیت به دور باشد به همان نسبت ارتباط و مناسبتش با قرآن مجید افزایش می یابد و جمال و زیبایی قرآن بدون پرده برایش هویدا می گردد: «و الذّین جاهدوا فینا لنهدینهم سبیلنا و ان الله لمع المحسنین»<sup>(۲۰)</sup>؛ «به کسانی که برای ما می کوشند راههای مان را نشان خواهیم داد، و به درستی خداوند با نیکوکاران است.»

انسان به هر مقدار برای یک هدف نیکو متحمل زحمت گردد و در راه آن رنج و سختی ببیند با رسیدن به آن هدف به حلاوت ها و شیرینی های بسیاری دست خواهد یافت.

دیگر اینکه درک واقعی اغلب آیات قرآن مجید به عمل بستگی دارد و صرفاً با بحث و نظر فهمیده نمی شود. البته علم الفاظ و معانی آن به دست می آید اما درک واقعی مفاهیم آن و مشاهده ثمراتش بدون عمل و تجربه حاصل نمی گردد. و در واقع امتیاز بزرگ صحابه کرام رضی الله عنهم در زمینه فهم قرآن مجید به این نکته بر می گردد.

#### ۷- ادب و تعظیم

برای استفاده از قرآن مجید جهت تغذیه روح و قلب و تزکیه نفس، این واقعیت همواره باید مدنظر باشد که قرآن مجید صرفاً دفتری از معلومات یا مجموعه ای از ضوابط و قوانین محض نیست که فقط به خواندن و یاد گرفتن آن اکتفا می شود، بلکه این کتاب در واقع کلام احکم الحاکمین و سلطان السلاطین می باشد، کلام پروردگاری است که با صفات جلال و جمال و عطا و نوال متصف می باشد: «هو الله الذّی لا اله الا هو الملك القدّوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبّر»<sup>(۲۱)</sup>؛ «خدا همان است که غیر از او کسی شایستگی عبادت و بندگی را ندارد. او پادشاه حقیقی، ذات پاک، بی عیب و نقص، امان دهنده و امنیت بخشنده، محافظ و مراقب، قدرتمند چیره، زبردست و والا مقام و فرازمند است.»

قرآن مجید کلام کسی است که خود صاحب کلام درباره کلامش چنین می فرماید: «لو أنزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعاً متصدعاً من خشية الله و تلك الأمثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون»<sup>(۲۲)</sup>؛ «اگر ما این قرآن را بر

☑ کسانی که  
ما به آنان  
کتاب دادیم  
کتاب را آن  
چنانکه حقیقت  
است تلاوت  
می کنند؛ آنان  
از صمیم دل  
به آن باور  
دارند. و  
کسانی که به  
آن ایمان  
نیاورند از  
زمره  
زیانکاران  
خواهند بود.

یعنی کلام الهی را با چنان تعظیم و بزرگداشت و عشق و علاقه ای می خوانند که معمولاً کلام یک پادشاه و یا یک دوست محبوب خوانده می شود. در این خصوص مطالعه دو چیز خیلی مفید است که باید به آن اهتمام ورزید.

اولاً: مطالعه احادیث صحیحی که درباره فضیلت قرآن مجید وارد شده است.<sup>(۳۸)</sup>

ثانیاً: مطالعه کتاب هایی که در آن شرح حال صحابه و تابعین و ائمه، مجتهدین و فقها و محدثین و علما و عارفان و اولیاء الله ذکر شده، و حکایات عشق و علاقه و ادب و تعظیم شان نسبت به قرآن مجید و کیفیت احساسات آنان هنگام تلاوت بیان گردیده است.

بدون شک مطالعه چنین مطالبی در وجود انسان شور و شوق ایجاد می نماید و دلها را متأثر می نماید و دیدگان را بینا می سازد.

لذا در اینجا واقعات و حکایاتی از کتب مستند نقل می شود که در پرتو آن می توان به عشق و علاقه و ادب و تعظیم و اثرپذیری صحابه و تابعین و علما ربانی در برابر قرآن پی برد.<sup>(۳۹)</sup>

#### نمونه هایی از تلاوت و تدبیر در قرآن

ابتدا به بیان واقعه ای از سیرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می پردازیم. صحابی بزرگوار حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت می کند که روزی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم به من فرمود: «برایم قرآن بخوان!» من عرض کردم آیا برای شما بخوانم در حالی که قرآن بر خود شما نازل شده است؟ فرمود: «آری! می خواهم آن را از دیگران بشنوم.» ابن مسعود می گوید: من شروع به تلاوت سوره نساء کردم، وقتی به این آیه رسیدم: «فکیف اذا جئنا من کل امة بشهید و جئناک علی هؤلء شهیداً»<sup>(۴۰)</sup>؛ «چگونه خواهد بود زمانی که ما از هر امتی یک گواه بیاوریم و تو را نیز بر اینان به طور گواه بیاوریم.» یکی از اهل مجلس مرا متوجه کرد، وقتی سرم را بلند کردم، دیدم که اشک از چشم های مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و سلم سرازیر است.<sup>(۴۱)</sup>

حضرت ابوذر رضی الله عنه روایت می کند که شبی آن حضرت صلی الله علیه و سلم تا صبح این آیه را مرتباً تلاوت می کرد: «ان تعدبهم فانهم عبادک و ان تغفر لهم فانک انت العزيز الحكيم»<sup>(۴۲)</sup>؛ «اگر آنان را عذاب دهی بندگان تو هستند و اگر بیامرزیشان تو چیره و توانا و حکیم هستی.» ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت می کند که حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه بسیار رقیق القلب

کوهی فرود می آوردیم تو می دیدی که چگونه کوه از ترس خدا می لرزید و شکاف بر می داشت و فرو می ریخت. ما این سخنان را برای مردم بیان می کنیم باشد که به فکر فرو روند و در آن بیندیشند.»

«فی صحف مکرمة . مرفوعة مطهرة . بأیدی سفرة . کرام بررة»<sup>(۴۳)</sup>؛ «در ورقه هایی قابل احترام نوشته شده است؛ در جایی بلند گذاشته شده است و پاک است؛ به دست نویسندگانی است که بزرگوار و نیکوکار هستند.»

در جایی دیگر می فرماید: «انته لقرآن کریم . فی کتاب مکون . لایمسه الا المطهرون»<sup>(۴۴)</sup>؛ «همانا این، قرآن کریم است. در کتابی نوشته شده است. فقط پاکان می توانند به آن دست بزنند.»

نتیجه طبیعی مطالب بالا این است که آنان که با قرآن مجید تعلق خاطر دارند و به عظمت و بزرگی نازل کننده اش معتقد می باشند قرآن مجید قطعاً بر آنان تأثیر خواهد گذاشت، چنانکه می فرماید: «و اذا تلیت علیهم آیاته زادتهم ایماناً و علی ربهم یتوکلون»<sup>(۴۵)</sup>؛ «وقتی که آیاتش بر آنان خوانده می شود ایمانشان فزونی می یابد و بر پروردگارشان توکل و اعتماد دارند.»

در جایی دیگر فرموده است: «الله نزل احسن الحدیث کتاباً متشاههاً مثانی تقشع منه جلود الذین یخشون ربه ثم تلین جلودهم و قلوبهم الی ذکر الله ذالک هدی الله یهدی به من یشاء و من یضل الله فما له من هاد»<sup>(۴۶)</sup>؛ «الله بهترین کلام را (به نام قرآن) فرو فرستاده است. کتابی را که (از لحاظ کاربرد و گیرایی الفاظ و الایی و هماوایی معانی، در اعجاز) همگون و (مطالبی چون مواعظ و براهین و قصص، و مسائل مقابل و مختلف همانند: ایمان و کفر، حق و باطل، هدایت و ضلالت، حسنات و سیئات و... البته هر بار به شکلی تازه و به شیوه ای نو، در آن) مکرر است. از (شنیدن آیات) آن لرزه بر اندام کسانی می افتد که از پروردگارشان می ترسند، و از آن پس پوستهایشان و دلهایشان نرم و آماده پذیرش قرآن می گردد. این (کتاب) مشتمل بر هدایت خداوندی است که بوسیله آن هر کس را بخواهد راهیاب می سازد. و هر کس را خدا گمراه سازد راهنمایی نخواهد داشت.»

درباره چنین تلاوت کنندگانی می فرماید: «الذین آتیناهم الکتب یتلونه حق تلاوته اولئک یؤمنون به و من یکفر به فاولئک هم الخاسرون»<sup>(۴۷)</sup>؛ «کسانی که ما به آنان کتاب دادیم کتاب را آن چنانکه حقیقت است تلاوت می کنند؛ آنان از صمیم دل به آن باور دارند. و کسانی که به آن ایمان نیاورند از زمره زیانکاران خواهند بود.»

در کتاب‌های تاریخ و سیره حکایات و واقعاتی از علمای راسخین، مجددان و مصلحان بزرگ و عارفان برجسته هر عصر نقل کرده‌اند که نشانگر عشق و علاقه و ارتباط عمیق آنان با قرآن مجید می‌باشد.

«پروردگار ما را از عذاب سوزان نجات داد.» من به بازار رفتم و برگشتم دیدم هنوز همان آیه را می‌خواند.

هارون بن ایاب اسدی گاهی اوقات در نماز تهجد فقط این آیه را تکرار می‌کرد و می‌گریست: «یالیتناردو لانکذب بایات ربنا و نکون من المؤمنین»<sup>(۳۷)</sup>؛ «ای کاش دوباره برگردانده شویم تا ما نشانی‌های پروردگاران را تکذیب نکنیم و از گروه مؤمنین بگردیم.»

حضرت حسن بصری یک شب فقط آیه: «وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها»<sup>(۳۸)</sup> را تکرار می‌کرد تا اینکه صبح شد. مردم از وی سبب را پرسیدند، حسن بصری فرمود: در این آیه خیلی پند و عبرت وجود دارد، به هر سو که می‌نگریم نعمت مشاهده می‌کنیم؛ البته نعمت‌هایی که آنها را نمی‌شناسیم خیلی بیشترند.

این سلسله‌اثرپذیری و ارتباط عمیق با قرآن، نسل اندر نسل در میان امت جاری بوده است. آری امت اسلامی همواره به کلام الهی محبت و عشق ورزیده و از فیض و تأثیرش بهره برده و هیچ زمانی این سلسله منقطع نشده است.

در کتاب‌های تاریخ و سیره حکایات و واقعاتی از علمای راسخین، مجددان و مصلحان بزرگ و عارفان برجسته هر عصر نقل کرده‌اند که نشانگر عشق و علاقه و ارتباط عمیق آنان با قرآن مجید می‌باشد. انسان از حکایات آنان به خوبی پی می‌برد که چقدر این بزرگان در تلاوت قرآن مستغرق می‌شدند و از حلاوت و لذت آن بهره می‌بردند.

نویسنده بزرگ، محدث جلیل القدر و مؤرخ برجسته علامه ابن جوزی هر هفته یک بار قرآن را ختم می‌کرد<sup>(۳۹)</sup>. سلطان صلاح الدین ابوبی فاتح بیت المقدس به گوش فرادادن به تلاوت قرآن خیلی علاقه داشت، گاهی اوقات شبها در برج خود به تلاوت دوالی چهار جزء از قرآن مجید گوش فرامی‌داد. بسیار خاشع و فروتن و نرم دل بود و هر گاه قرآن را می‌شنید دیدگانش اشکبار می‌شد<sup>(۴۰)</sup>.

شیخ الاسلام ابن تیمیه در هفتم شعبان سال ۷۲۶ هجری بازداشت شد و تاریخ ۲۲ ذی القعدة ۷۲۸ در بازداشتگاه جان سپرد. بزرگترین مشغله و درد او در این دوران تلاوت قرآن بود. او در این مدت دو سال و چهار ماه همراه برادرش شیخ زین الدین ابن تیمیه هشتادبار قرآن را ختم کرد. بعد از آن وقتی دور جدیدی را آغاز کرد و به این آیه رسید: «انَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ فِي مَقْعَدِ صَدَقٍ عِنْدَ مُلْكٍ مُّقْتَدِرٍ»<sup>(۴۱)</sup>؛ «همانا پر هیز گاران در میان باغ‌ها و نهرها در جایگاهی بلند و نزد پادشاهی مقتدر بسر خواهند برد.»

بود و هرگاه قرآن تلاوت می‌کرد بی اختیار به گریه می‌افتاد و نمی‌توانست اشکهایش را نگاهدارد.

ابورافع می‌گوید حضرت عمر رضی الله عنه در نماز فجر سوره‌های کهف، مریم، طه و مانند آنها را تلاوت می‌کرد. روزی در آخرین صف مردان نماز می‌خواندم که بعد از آن صف‌های زنان شروع می‌شد، حضرت عمر داشت سوره یوسف را تلاوت می‌کرد و معمولاً صدایش بلند بود، وقتی به این آیه رسید: «انما أشکوا بشی و حزنی الی الله»<sup>(۴۲)</sup>؛ «سخن یعقوب علیه السلام که می‌گفت: (من رنج و غم خویش را فقط به خدا شکایت می‌کنم.» چنان گریه‌اش گرفت که قرائتش قطع شد و من فقط صدای گریه‌اش را شنیدم.

حضرت حسن بصری می‌گوید: حضرت عمر رضی الله عنه گاهی در ورد شبانه‌اش به یک آیه می‌رسید چنان گریه می‌کرد که بر اثر آن بر زمین می‌افتاد و حالش چنان منقلب می‌شد که در خانه بستری می‌شد و مردم به عیادتش می‌آمدند.

محمد بن سیرین می‌گوید: حضرت عثمان رضی الله عنه تمام شب در یک رکعت قرآن را می‌خواند. امام بیهقی نقل کرده است که حضرت عثمان رضی الله عنه می‌گفت: اگر دل‌های ما پاک باشد هرگز از کلام پروردگار سیر نخواهد شد. من دوست ندارم حتی یک روز از عمر من بگذرد که قرآن مجید را از رو نخوانده باشم. وقتی حضرت عثمان رضی الله عنه به شهادت رسید دیدند مصحفی که از روی آن خوانده بود به دلیل کثرت تلاوت پاره شده است<sup>(۴۳)</sup>.

ابن عمیر می‌گوید من سوره یوسف را از قرائت حضرت عثمان یاد گرفتم زیرا او در نماز فجر به کثرت این سوره را تلاوت می‌کرد.

حضرت علی رضی الله عنه بعد از رحلت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم چنان با قرآن مشغول شد که تا چندین روز از خانه‌اش بیرون نرفت.

درباره عبدالله بن زبیر، عمر و بن العاص، عبدالله بن عمر، عبدالله بن رواحه، عبدالله بن عباس، عبدالرحمن بن عوف از صحابه کرام و درباره سعید بن جبیر، مالک بن انس، منصور بن المعتمر از تابعین روایات و حکایات مشابهی در کتاب‌ها نقل شده است<sup>(۴۴)</sup>. حمزه که خادم حضرت اسماء بنت ابوبکر رضی الله عنه بوده می‌گوید: روزی حضرت اسماء مرا به بازار فرستاد. آن هنگام او مشغول تلاوت سوره طور بود و به این آیه رسیده بود «و وقانا عذاب السموم»<sup>(۴۵)</sup>؛

جرمش زاری و التماس می نماید. و هرگاه به آیه ای که در آن ذکر رحمت الهی است می رسید خوشحال می شد و آرامش پیدا می کرد و سکوت می نمود.

خود مولانا عبدالقادر رای پوری در ماه مبارک رمضان، بعد از نماز عصر، در گوشه ای قرآن کریم تلاوت می کرد. یکی از ساکنان محله می گوید: وقتی از آنجا می گذشتم، تلاوت ایشان توجهم را جلب می کرد و از صمیم قلب دعا کردم که خدایا به من نیز توفیق عنایت کن تا آن گونه تلاوت کنیم. پس از ماه رمضان، روزی مولانا رای پوری آن شخص را فراخواند و خطاب به او گفت: «بیا تا به شما بیاموزم که چگونه قرآن را تلاوت کنی! در قرآن آمده است که خداوند با حضرت موسی علیه السلام مکالمه می نمود و ایشان کلام الهی را از ناحیه یک درخت می شنید، شما نیز خود را به جای همان درخت تصور کن، بدین گونه که الفاظی را که خود تلفظ می کنی چنین بپندار که اینک خدای پاک با شما سخن می گوید و با گوش های خود چنین احساس کن که کلام الله را با صدای خود می شنوی.» پس از این توصیه همان کیفیت را بر خود طاری کرده و در عمل به من نشان داد. بر اثر عمل به راهنمایی ایشان حالتی مشابه همان کیفیت بر قلبم طاری می شد.

**ارتباط حقیقی با قرآن مجید منتهی الیه و هدف نهایی سلوک و عرفان است.**

دورش را با عبدالله ابن محب و عبدالله الزرعی ادامه داد. این دو بزرگوار خیلی نیک و باهم برادر بودند و ابن تیمیه رحمه الله قرائت شان را خیلی دوست می داشت، هنوز این دور ختم نشده بود که روزهای زندگیش به پایان رسید<sup>(۳۲)</sup>.

شیخ نظام الدین بدایونی دهلوی (۷۲۵هـ) دارای ذوق و علاقه خاصی نسبت به قرآن مجید بود، به حفظ آن خیلی تأکید می ورزید و به کثرت تلاوت تشویق می کرد. وقتی شیخ حسن سنجرى با او مرتبط شد و به دستش بیعت کرد، خیلی مسن بود و از شاعران برجسته عصرش به شمار می آمد که سالیان بسیاری را در سرودن شعر سپری کرده بود. شیخ نظام الدین به او توصیه کرد که ذوق قرآنیش را بر ذوق شعریش غالب سازد. شیخ حسن سنجرى در «فوائد الفوائد» می نویسد: «بارها از شیخ نظام الدین شنیدیم که می فرمود: باید تلاوت قرآن کریم بر شعرگویی افزون تر شود و غالب آید.»

در باره حالات امام ربانی مجدد الف ثانی شیخ احمد سرهندی آمده است که هنگام تلاوت قرآن کریم از رنگ چهره اش احساس می شد که حقایق قرآن بر وی منکشف می شود و برکات و فیوض آن نزول می نماید. حضرت مجدد در ماه مبارک رمضان حداقل سه مرتبه قرآن مجید را ختم می کرد. حافظ قرآن بود و در طول سال به تلاوت آن می پرداخت و در مجالسش به اهتمام به آن گوش می کرد<sup>(۳۳)</sup>.

علامه سید محمدعلی مونگیری (مؤسس دارالعلوم ندوة العلماء لکنو) می گوید: «من هنگامی که برای اولین بار با عارف بالله شیخ فضل الرحمن گنج مراد آبادی ارتباط برقرار کردم خدمت وی عرض نمودم: چرا لذتی را که در شعر احساس می کنم در تلاوت قرآن احساس نمی کنم؟ شیخ فرمود: هنوز خیلی دوری، هرگاه به مرتبه قرب رسیدی آنگاه چنان لذتی در قرآن احساس خواهی کرد که در هیچ چیز دیگر آن را نخواهی یافت. و روزی فرمود: ارتباط حقیقی با قرآن مجید منتهی الیه و هدف نهایی سلوک و عرفان است<sup>(۳۴)</sup>».

علامه عبدالقادر رای پوری که خود از مشایخ معروف زمانش بود در شرح حال مرشد و مربی خود شیخ عبدالرحیم رای پوری (۱۳۳۷هـ/۱۹۱۹م) می گوید: شیخ عبدالرحیم رای پوری در نماز شب قرائت را خیلی طولانی می کرد؛ گاهی گریه می کرد و هرگاه ذکر عذاب به میان می آمد می گریست و استغفار می کرد و چنان حالت تضرع به وی دست می داد که گویی مجرمی است که برای عفو

**پیاورقی:**

- ۱- شوری، آیه: ۴۲.
- ۲- رعد، آیه: ۱۱.
- ۳- تغابن، آیه: ۶.
- ۴- فاطر، آیه: ۱۵.
- ۵- یونس، آیه: ۴۳.
- ۶- زمر، آیه: ۸.
- ۷- نحل، آیه: ۷۹-۸۱.
- ۸- ق، آیه: ۴۵.
- ۹- اعلی، آیه: ۱۰.
- ۱۰- زمر، آیه: ۲۲.
- ۱۱- مرآة شود به کتاب مذهب و تمدن از مؤلف - ص: ۱۴ - ۲۰.
- ۱۲- «الغیب ما غاب عن الحس و العقل غیبة كاملة بحيث لا یدرک بواحد منها بطریق البهاده» (تفسیر ابوالسعود) غیب آن است که از حواس و عقل پوشیده باشند و به وسیله هیچ کدام از آن دو بدیهی بودن آن ثابت نشود.
- ۱۳- بقره، آیه: ۲- ۳.
- ۱۴- انعام، آیه: ۱۲۶.
- ۱۵- نساء، آیه: ۸۲.
- ۱۶- بقره، آیه: ۲۶.
- ۱۷- انعام، آیه: ۲۷.
- ۱۸- فرقان، آیه: ۷۳.
- ۱۹- نساء، آیه: ۲۱.
- ۲۰- عنکبوت، آیه: ۶۹.
- ۲۱- حشر، آیه: ۲۲.
- ۲۲- بقره، آیه: ۱۶.
- ۲۳- عبس، آیه: ۱۵.
- ۲۴- واقعه، آیه: ۷۷-۷۹.
- ۲۵- انفال، آیه: ۲.
- ۲۶- زمر، آیه: ۲۳.
- ۲۷- بقره، آیه: ۱۲۱.
- ۲۸- مطالعه فضایل قرآن تألیف شیخ الحدیث مولانا محمدزکریا رحمه الله در این خصوص خیلی مفید است.
- ۲۹- در این کتاب هم مطالب و حکایات بسیار جالب و مؤثری وجود دارد: ۱- کتاب قیام اللیل، محمد بن نصر المروزی، ۲- صفة الصوفیة ابن الجوزی، ۳- احیاء العلوم، امام غزالی، ۴- حلیة الاولیاء، ابونعیم اصفهانی.
- ۳۰- نساء، آیه: ۴۱.
- ۳۱- متفق علیه.
- ۳۲- مانده، آیه: ۱۱۸.
- ۳۳- یوسف، آیه: ۸۶.
- ۳۴- حیاة الصحابة، ج ۴، ص: ۲۴-۲۳، ۲- ازالة الخلفاء، ج ۲، ص: ۲۸۸.
- ۳۵- قیام اللیل، ص: ۵۷- ۶۰.
- ۳۶- طور، آیه: ۲۷.
- ۳۷- انعام، آیه: ۲۷.
- ۳۸- نحل، آیه: ۸.
- ۳۹- روایت ابوالمظفر.
- ۴۰- تاریخ دعوت و اصلاح.
- ۴۱- قمر، آیه: ۵۴- ۵۵.
- ۴۲- تاریخ دعوت و اصلاح.
- ۴۳- زندگانی مجدد الف ثانی. تذکره فضل الرحمان گنج مراد آبادی از مؤلف.
- ۴۴- ذکر رحمانی، اثر سید تجمیل حسین، ص: ۷.